



زهرا قربانی

مجلس عزای امام حسین (ع)

یک سال را به خاط

می گفت خط قرمز من عاشورا است. هرکاری هم که بکنم و هر جور هم که با بار دیدمش که سرو شکلش عوض شده بود و به قول خودش شبیه آدم حس هم این تپیی می گردی؟ گفت: هنوزم خط قرمز عاشورا است. منتها سر در فقط به حرمت آقا. این قصه همه دل های عاشق است. بیایید باهم برویم

توی آینه نگاهش می کنی. انگار بیشتر از اینکه خواست به خودت باشد، چشمت به اوست. دلت می خواهد وقتی مهمان حسین می شوی ظاهرش هم آماده باشد. دلت این چند ماه لک زده بود برای پوشیدنش. مشکی است اما دلت را روشن می کند وقتی به تن می کنی این پیراهن سیاه را. یاد اولین باری می افتی که با مادرت برای خریدن لباس مشکی راهی بازار شدی. خواست بود که یا حسین روی لباست باید از پسر خاله و پسر دایی و همسایه تان بزرگتر و زیاتر باشد. حالا اما سادگی لباس برایت مهمتر است. گاهی تمیزی اش هم دیگر مهم نیست. ممکن است روی پیراهنت گل هم بمالی. اصلا مگر عزادار حسین چه می خواهد؟ همینکه راهش بدهند به حیات کافی است. گرچه زیبایی اش همین جاست که در این مهمانی عشق و شور و شعور، همه یگرنگند. و مگر بالاتر از سیاهی هم رنگی هست؟ پیراهن سیاه عزای تو یا حسین! عشاق را به روز جزا رو سپید کرد

نشسته و ننشسته تعارف می کنند. از این روزهای کرو نایی که بگذریم پذیرایی اختصاصی حیات ها همین چایی روضه دم است. همین قند پهلویی که اگر قند و خرما هم کنارش نباشد شیرینی اش را می شود زیر لب احساس کرد. قصه های زیادی از آدم هایی شنیده ایم که با خوردن همین چای روضه عاقبت بخیری نصیب شان شده. اصلا انگار رزق و روزی زمینی یک سالمان که از همین دهه محرم شروع می شود، با همین چای توزیع می شود. اصلا همینکه به چهره کسانی که در حیات وظیفه آماده سازی چای روضه را دارند نگاه کنی می فهمی چای ریز ابا عبد... بودن منصب کمی نیست. سماوری که به بزم حسین می جوشد بخار رحمت آن، عیب خلق می پوشد

در حیات که وارد می شوی اولین نفری است که به استقبال می آید؟ یا بهتر بگویم، اولین چیز انگار همه سال را چشم به راه این ایام است تا پذیرای قدم های عزاداران حسین (ع) باشد. قالیچه سلیمان هم پیش فرش زیر پای عاشقان اهل بیت (ع) کم می آورد چه، پر پرواز در می آورد وقتی سپاه پوشان عزای حسین، سینه می زنند و هروله می کنند. و آن ها را می برد تا خود خود عرش خدا. شاید برای همین است که گفته اند فرشته ها تا ساعتی پس از مراسم این روزها، می آیند به زمین که بال و پر بکشند روی همین فرش و خود را معطر کنند. فقط انگار یک حسرت بردل فرش حسینه باقی مانده. آنجا که شاعر خطاب به مهدی موعود (عج) عرضه داشت: نگاه فرش حسینه سوی در مانده مگر که یک دهه افتد به زیر پای شما

یک گوشه روی فرش حسینه نشسته ای و چایی ات هم تمام شده. سخنران تاریخ را گره می زند به حرف های روز جامعه. بی اختیار سر می چرخانی دور تا دور حیات و در دیوار را رصد می کنی. حتی این روزها هم پرچم های سیاه و قرمز زینت حیات های خیابانی و فضای باز هستند. و نوشته ها را زیر لب زمزمه می کنی. حالا چه شعر محتشم باشد که «باز این چه شور است که در خلق عالم است» و چه نام نوجوانان و جوانان عاشورا «قاسم بن الحسن (ع)»، «علی اکبر (ع)»... اما نام خودش بد جور با دلت بازی می کند. آه می کشی و نامش را که سرخ سرخ نشسته است در سیاهی پرچم به لب می آوری: حسین. سرخی پرچم ما را به یاد خونخواهی از شهادت تارا... می اندازد و سیاهی آن، غمی که بعد از رفتنش جان عالم را گرفته است پیش چشم مان به تصویر می کشد. اما پرچم ها بیشتر می خواهند یادمان بیاورند که همیشه باید نام حسین بر تارک زندگی مان بدرخشد. بی اختیار یاد بیتی از میلاد حسنی می افتم که دوست مشترکمان زنده یاد روح... رجایی زیاد زمزمه می کرد: هر جا دلت گرفت کمی محتشم بخوان می در میان گریه بگو جان، بگو «حسین»

داستان شاید تکراری به نظر برسد. اینکه همه را صدا کردند. چه آنهایی که جلوتر رفته بودند و چه آنها که عقب مانده بودند. غدیر البته اولین جایی نبود که پیامبر بر بلندی رفتند تا صدایشان به همه برسد. این ویژگی همیشگی جلسات و محافل بود که رسول خدا در بین اصحاب داشت. همین است که تا می نشینی و چای روضه را می نوشی چشمت می افتد به منبر. جایی برای خطابه و سخنرانی در حیات که بلندتر از نگاه همه عزاداران است. البته این کلمه از ریشه (ن ب ز) است به معنای عالی و بلند. منبر البته جای مناسبی است برای بیان وعظ و تذکر و بیان قصص. برای همین است که سخنران یا واعظ را مذکر یا قصه گو هم می گفتند. و البته از قدیم گفته اند ارزش هر مکانی به کسی است که در آن مکان می نشیند. کیست علی؟ زینت هر منبر است ذکر قسم خوردن پیغمبر است «هر که در این دهر مقرب تر است» سینه زن فاطمه و حیدر است

چایی دوم را تعارف می کنند و ممکن است بر نداری. روی فرش کمی جمع بندی می کند و تو چشمت را از پرچم کرده است. سخنران که وارد روضه می شود مداح برگرفته از (ن و ح) به معنی بیان مصیبت و گریه که مصیبت عزیزی چون حسین را اینگونه سرنداد؟! مادر حضرت عباس علیه السلام وزینب سلام... تشیع به مذهب رسمی کشور مان تبدیل شد، مر در آن، اشعار همین کتاب (روضه الشهدا) اثر مصیبت در مراسم مرثیه خوانی به کار گرفته شد و نام گرفت. و همین روضه هاست که دل را گره می در کوچه ها نسیم بهشت محرم است این شهر بی مجالس روضه جهنم است پیراهن سیاه عزاداری شما زیباترین تجلی عشق مجسم است